

راهکارهای حل بحران یورو

ریسمان نجات

تأسیس خزانه‌داری اروپا

اگر قبل از این که این دومینو شروع به لغزش کند اقدام مناسبی صورت گیرد، همچنان می‌توان از وقوع این سناریو جلوگیری کرد. راه حل این موضوع کاملاً واضح است. بانک مرکزی اروپا باید از سوی یک مرجع مالی اروپایی با ابزاری لازم‌الاجرا مورد حمایت واقع شود؛ ابزاری شامل قابلیت صدور اوراق بهادار خزانه اروپا، افزایش مالیات‌های فدرال و ظرفیت اتخاذ تصمیمات قاطع در سطح اروپا.

اتحادیه اروپا تنها نهاد مستقلی است که نمی‌تواند از طریق صدور اوراق خزانه از بازارهای خصوصی وام بگیرد. اگر قرار است راهی برای خروج از این بحران فراگیر پیدا شود، بهترین آن این است که اتحادیه با واگذاری چنین اوراقی، به همراه تأسیس یک خزانه‌داری اروپایی که خود مدیریت آن را به عهده داشته باشد، پایه‌های خود را محکم کند. بودجه چنین نهادی از طریق استقراض و مالیات تأمین خواهد شد.

در این صورت، اتحادیه اروپا به عنوان یک نهاد مستقل می‌تواند بخشی از بدهی کشورهای عضو را به میزان بیش از ۶۰ درصد کل محصول ناخالص داخلی خود به عهده بگیرد. در حال حاضر، اتحادیه کاملاً عاری از هر گونه بدهی است که این امر، حاشیه مانور قابل توجهی به آن می‌دهد. هزینه وام‌هایی که خزانه‌داری جدید اتحادیه اروپا از طریق اوراق ارایه می‌کند، کمتر از هزینه اوراقی خواهد بود که هر کشور به صورت انفرادی صادر می‌کند. در این شرایط، کشورهای عضو، سرمایه لازم را برای پرداخت اصل و فرع وام دریافتی به اتحادیه انتقال می‌دهند. تا زمانی که این فدرالیسم بودجه‌ای وجود نداشته باشد، ارز مشترک اروپا - یورو - همچنان تضعیف خواهد شد.

وضعیت فعلی اروپا، اتفاقی نیست که تازه رخ داده باشد. تاریخ به ما می‌آموزد که بحران بدهی دولتی، معمولاً مهر تأییدی بر رکود اقتصادی یک کشور بوده است - به ویژه اگر آن کشور، مدت‌های طولانی برای رسیدن به استاندارد زندگی با استفاده از استقراض‌های فراوان کوشیده باشد. بنابراین، نباید از خطرات بحران فعلی برای آینده اروپا به سادگی گذشت.

تاریخ همچنین به ما می‌آموزد که اتحادیه اروپا همواره قادر بوده برای هر بحرانی، از آغاز آن و در هر مرحله‌ای، راه حلی بیابد. ایجاد بازار مشترک اروپا و ارز یورو، هر دو حاصل راه حل مشترکی هستند که برای غلبه بر شرایط سخت به وجود آمده‌اند.

بنابراین، دلیل کافی برای رسیدن به این باور وجود دارد که اروپا بار دیگر بر این چالش فائق خواهد آمد. ■

آیا تأسیس خزانه‌داری مستقل اروپا، بهترین راه خروج از بحران است؟

از طریق تعریف یک راه قابل اطمینان به سوی بازگشت مالیه عمومی ثابت در کل اروپا به دست می‌آید. در کوتاه مدت، خطری یورو را تهدید نمی‌کند، چرا که ارزی معتبر و شکل گرفته بر پایه بزرگترین اقتصاد



منسجم دنیا است. اما این اتحاد پولی نمی‌تواند در بلند مدت دوام بیاورد، مگر این که ظرف چند ماه آینده اتفاق مثبتی رخ دهد که از واکنش زنجیری ناتوانی در پرداخت بدهی در میان کشورهای حوزه یورو جلوگیری کند.

بدترین سناریوی ممکن را به راحتی می‌توان تصور کرد. کشورهایی که بیشتر از همه مورد تهدید واقع شده‌اند، تلاش خواهند کرد با اتخاذ برنامه‌های ریاضت اقتصادی از بروز فاجعه جلوگیری کنند. این امر به هر حال برای بازگرداندن اطمینان سرمایه‌گذار، ناکافی و در دفع حملات بورس بازان که نرخ‌های استقراض خود را بالا می‌برند، غیرمؤثر است. نتیجه این که مهره‌های دومینوی عدم پرداخت بدهی‌ها یکی پس از دیگری می‌افتند.

بانک‌ها و دیگر مؤسسات مالی هم که بدهی کشورهای بدهکار را ضمانت کرده‌اند ورشکست می‌شوند و برای سپرده‌گذاران و مستمری‌بگیران خود مشکل ایجاد می‌کنند. بانک مرکزی اروپا، به خودی خود نمی‌تواند از بروز چنین حادثه‌ای جلوگیری کند. اگر اقدام به چنین کاری کند - به عنوان مثال از طریق چاپ پول بیشتر - به فروپاشی یورو کمک خواهد کرد.

از زمان شروع بحران بدهی یونان، اروپا تلاش کرده است مشکلاتش را به صورت موقتی و کوتاه مدت حل کند. تعجیبی ندارد اگر این بحران ادامه یافته و علاوه بر اقتصاد کشورهایی همچون ایرلند، پرتغال و تا حدی اسپانیا، کل اروپا را مورد تهدید قرار بدهد.

در این شرایط، زمان آن فرا رسیده که این معمای پیچیده با ایجاد تحولی فراگیر حل شود. وضعیت کنونی نشان می‌دهد کشورهای اروپایی، جز این که خود را به جریان بازارهای مالی بسپارند، راه دیگری ندارند.

نیازهای رو به رشد کشورهای مدرن، آنها را هر روز بیش از دیروز به سوی وام‌گیری با استفاده از ابزارهای پرمخاطره و پیچیده سوق داده است. سرمایه‌گذاران از قدیم بدهی‌های دولتی را خریداری می‌کردند، زیرا حوزه امنی برای آنها محسوب می‌شده است. اوراق دولتی بر خلاف اوراق شرکتی از ضمانتی به پشتوانه مالیات‌ها برخوردارند.

با این حال، همان طور که کشورها بازارهایی ایجاد می‌کنند تا از طریق آنها هزینه‌های خود را تأمین کنند، اما زمانی که وسعت استقراض کشوری به حدی می‌رسد که نمی‌تواند به تعهداتش عمل کند، همین بازارها به دشمن آن کشور تبدیل می‌شوند. این شرایط به دولتی خطرناک بین دو گروه (دولت و بازار) که هر کدام حرکات دیگری را با احتیاط زیر نظر دارد و سعی می‌کند منافع خود را حفظ کند، منجر می‌شود.

بدترین سناریو

تنها راه نجات از وضع دشواری که اروپا به آن دچار شده، بازگرداندن اطمینان سرمایه‌گذاران است که تنها

